

ایدز و مسئولیت مدنی دولت

سمیرا محمدی^۱

چکیده

مدت مدیدی است که جراحان و متخصصان پزشکی به نسب انواع پروتز اندامهای بدن انسان بجز مغز می پردازند. نکته حائز اهمیت در این خصوص، مباحث و مسائل حقوقی متعدد بوجود آمده پیرو پیدایش و پیشرفت علمی اینگونه جراحی ها می باشد.

خواسته قانونگذار در مسئله حقوقی جراحی و نسب پروتز اندامها، ایجاد تمهیدات خاص با هدف حمایت هر چه بیشتر بیماران می باشد: بدین ترتیب در آراء صادره از دادگاههای مختلف حقوقی کشور فرانسه در این رابطه مشاهده می کنیم که علاوه بر تکیه بر اصل حقوقی «تعهد به وسیله» که از اصول مسلم و قاطع در خصوص مسئولیت پزشکی می باشد اصل حقوقی «تعهد به نتیجه» نیز جایگاه ویژه ای دارد. لذا در این مقاله سعی خواهیم داشت تا پژوهش و مطالعه عمیقی بر اصول حقوقی مسئولیت پزشکی در مسئله جراحی و نسب پروتز اندامها انجام گیرد.

واژگان کلیدی: ایدز، مسئولیت مدنی، مسئولیت دولت، اچ آی وی، تقصیر

۱- دانشجوی دکترای حقوق و محقق موسسه ملی تحقیقات فرانسه.

مقدمه

هنگامی که در خصوص مساله ایدز و حوادثی که در گوشه و کنار جهان پیرامون این موضوع اتفاق افتاد بحث می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این بیماری مهلک، قربانیان بیشماری را بدون در نظر گرفتن سن، موقعیت اجتماعی، یا هر گونه ملاک و معیار دیگری گرفته است، از طرف دیگر، سطح پایین مطالعه و رجوع بیشتر مردم برای دریافت اطلاعات به رسانه های دیداری شنیداری و همچنین انحصار دولتی این دسته رسانه ها نقش دولت را در آموزش، پیشگیری و ایجاد مقدمات پذیرش افراد مبتلا به ایدز در جامعه را پررنگتر می‌کند. همچنین در رابطه با وظیفه و نقش دولت در قبال حمایت از افراد جامعه در برابر این پدیده هولناک، مسلم است که دولت به عنوان مرجع قانون گذاری، مسئول بهداشت عمومی شهروندان و ساکنان سرزمین مربوطه است.

در واقع، در طی سال های اولیه شیوع این بیماری، اساسا وجود این بیماری انکار می‌شد ولی در سال‌های بعد و از دهه ۸۰ میلادی دولتها در راستای ارتقای بهداشت خانواده و سلامت جامعه فعالیت‌های آگاهی بخشی نسبت به این بیماری و ارایه آموزش‌های جنسی را در سطح کشورها شروع کردند.

از اقدامات عملی دولت ایران برای پیشگیری از شیوع ایدز می‌توان به برنامه‌ریزی برای ارایه سوزن و سرنگ استریل به زندانیان، لغو ممنوعیت توزیع تیغ یک بار مصرف در زندان‌ها، آموزش‌های جنسی در مدارس و جامعه اشاره کرد. با این حال هنوز بسیاری از مردم و به ویژه جوانان از دسترسی به اطلاعات مربوط به شیوع ایدز و از اطلاعات مربوط به ضرورت به کار بردن کاندوم هنگام آمیزش جنسی بی‌بهره‌اند و موانع متعددی برای راه‌اندازی کمپین‌های تبلیغاتی گسترده در رسانه های گروهی وجود دارد.

در ابعاد وسیعتر و در حیطه حقوق نیز ویروس ایدز موجب به وجود آمدن مسائل متعددی در سطح جهانی شده است، برای مثال، مسائل حقوقی نظیر: بحث

مسئولیت مدنی، کیفری و اداری افراد متعدد حقیقی یا حقوقی از جمله: وزیر بهداشت، معاونان وزیر بهداشت، مسئولان و کارمندان این وزارتخانه یا حتی مسئولان سازمان انتقال خون، تعقیب و محکومیت کیفری یا حقوقی افراد مذکور، حتی در موارد بسیاری، مراجعات متعدد به دیوان اروپایی حقوق بشر و در آخر، مسئله پرداخت خسارات ناشی از ابتلاء به این ویروس، را به همراه داشته است.^۱ البته ناگفته نماند که اساس و پایه تمامی مسائل حقوقی به وجود آمده پیرو ابتلاء به ویروس ایدز، به یک شکل نمی باشند. برای مثال، در یکی از آراء صادره از دادگاههای فرانسه، شاکی و مدعی جبران خسارت یکی از پرسنل بیمارستانی است که در آنجا هنگام انجام وظیفه و کار، مبتلا به این ویروس شده است^۲ یا در رأی دیگری شاهد شکایت بیمار بهبود یافته ای می شویم که ادعای ابتلا به ویروس ایدز از طریق تزریق خون آلوده را دارد^۳ البته در این مورد، در بعد وسیعتر، بیماران هموفیلی مدعی ابتلاء به ویروس ایدز از طریق خون آلوده به این ویروس، نمونه بسیار بارز و غیرقابل ردی هستند.

نکته قابل ذکر این است که اغلب مبتلایان به ایدز در نخستین گام علیه دولت اقدام کردند و بنا را بر این اساس گذاشتند که دولت به عنوان محور اصلی و نیرومند در خصوص بهداشت عمومی جامعه مقصر اصلی و مسئول می باشد و بدین طریق، در اکثر آراء صادره از دادگاههای کشورهای مختلف، دولتها در دادگاه ها محکوم شناخته شدند. در این مقاله به منظور احراز چگونگی برخورد نظامهای حقوقی و مسئولیت مدنی دولت ها هنگام جبران خسارت سعی خواهیم داشت در ابتدا به مطالعه مبانی بین المللی مسئولیت مدنی دولت ها و سپس به بررسی و مطالعه تطبیقی آن بپردازیم.

^۱ J.-M. De Forges, Sida: responsabilité et indemnisation des préjudices résultant de contamination par transfusion sanguine, RD sanit. soc. 1992.555

^۲ TA Paris, 20 décembre 1990

^۳ TA Paris, 11 janvier. 1991

مبحث اول- مبانی مسئولیت مدنی دولت ها

سازمان ملل متحد به عنوان مجمع جهانی دول برای دفاع از حقوق مردم قوانین و مقررات ویژه ای را وضع نموده که به تناسب پابندی دولت ها به کنوانسیون های جهانی در کشورهای مختلف به نسبت اجرایی می گردد. میثاق بین المللی ۱۹۶۶ حقوق مدنی و سیاسی بر اساس ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون می باشد، مقرر می دارد: هر دولت طرف این میثاق متعهد می شود:

۱- تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادی شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد زمینه احقاق حق فراهم شود. هر چند که نقض حقوق بوسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای شغل رسمی خود عمل کرده باشند.

۲- تضمین کند مقامات صالح، قاضی، اعضای قوه مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص زیان دیده احقاق حق کند و همچنان امکان تظلم خواهی به مقام قضایی را توسعه دهند.

۳- تضمین کند که مقامات صالح نسبت به لطماتی که حقانیت آنها محرز گردد ترتیب اثر دهند.

بنابراین در اکثر موارد، با توجه به مسئولیت دولت در فعل واقع شده و با امعان نظر به این که دولت مسئول بهداشت عمومی شهروندان می باشند، در قبال مبتلایان به ایدز، مسئول شناخته می شود.

مبحث دوم- مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی دولت ها در قبال ایدز

در حقیقت، تلاش آلوده شدگان به ویروس ایدز از طریق خون و فرآورده های خونی جهت اخذ غرامت از دولت ها از سال ۱۹۸۵ به بعد با شدت و ضعف در کشورهای مختلف جاری و در بسیاری از موارد دعاوی قضایی به نفع مدعیان خاتمه یافته است. در اطلاعات منتشره توسط فدراسیون جهانی هموفیلی که در

سال ۱۹۹۵ منتشر گردیده، کشورهایی که از آنها اطلاعاتی در اختیار داشته اند را به پنج گروه تقسیم نموده است:

۱- کشورهایی که حمایت دولت از بیماران آلوده شده به ویروس ایدز وجود داشته و کمک به بیماران از طریق غیردولتی و تشکیل کمیته های مشخص میسر گردیده است از نمونه های موفق این نوع عمل، کشورهای آمریکا، برزیل و بلژیک هستند.

۲- کشورهایی که حمایت مستقیم دولت شامل بیماران آلوده شده به ایدز گردیده و به بیماران غرامت مورد تشخیص دادگاه پرداخت گردیده است. مانند: کانادا، دانمارک، هنگ کنگ، مجارستان، ایتالیا، پرتغال و لیتوانی.

۳- کشورهایی که از طریق توسل به قوه قضائیه به موازات محکوم شدن دولت ها یا شرکت ها با پرداخت غرامت به وضعیت بیماران مبتلا به ایدز رسیدگی شده است. مانند بلغارستان، فنلاند، هند، مالت، نیوزیلند، نروژ و سوئد.

۴- کشورهایی که از طریق حمایت توأمان دولت و بخش خصوصی برای بیماران مبتلا به ایدز غرامت تأمین گردیده است. مانند: استرالیا، فرانسه، آلمان، ایرلند، ژاپن، نیوزیلند، آفریقای جنوبی، اسپانیا و انگلیس.

۵- کشورهایی که کمک به بیماران بصورت غیر مستقیم و از طریق سازمان های تأمین اجتماعی این کشورها صورت گرفته و در حقیقت انجمن مدافع بیماران از کمک ها بهره مند گردیده است. مانند: کوبا، یونان و تایلند.

در اکثر موارد، آنچه که در پرداخت غرامت به بیماران مبتلا به ایدز در تمامی کشورها مد نظر قرار گرفته است، سن آلوده شدگان به ویروس ایدز است و معمولا در یک روش مشترک، به افراد بزرگسال غرامت بیشتری تعلق یافته است. موقعیت اجتماعی آلوده شدگان، تأهل و تعداد فرزندان نیز، در تعیین میزان غرامت بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این غرامت ها به دو شکل، یا بصورت یکجا و یا بصورت ماهیانه به افراد مبتلا تا آخر عمر پرداخت می گردد و

در مورد پرداخت ماهیانه افزایش مستمری ها در طول عمر شخص با توجه به تورم اقتصادی پیش بینی شده است.

فرانسه از جمله کشورهایی است که با مشکل آلودگی فرآورده های خونی آلوده به ویروس ایدز بصورت گسترده مواجه گردید و مسئولین انتقال خون فرانسه سالها در مراجع قضایی مورد بازخواست قرار گرفتند. شرکت فرانسوی مریو نیز در عرصه ملی و بین المللی در رابطه با آلودگی های ناشی از مصرف فرآورده های خونی آلوده به ایدز تحت تعقیب قرار گرفته و غرامت های هنگفتی را پرداخت نموده است.

بدین طریق دولت فرانسه نیز بارها و بارها در دادگاهها در قبال مبتلایان به ایدز، محکوم و مسئول شناخته شده و حتی طرح مواردی مانند: درجه اهمیت تقصیر دولت، محدوده زمانی، اثبات رابطه علت میان تقصیر و خسارت و حتی وجود ویژگی معافیت از مسئولیت به علت وجود مسئولیت شخص ثالث، هیچگونه تاثیر بسزایی بر عدم مسئولیت دولت نداشته است، از این جهت در اینجا به طرح و بررسی موارد خاص مذکور خواهیم پرداخت.

مبحث سوم- درجه اهمیت تقصیر برای مسئول شناختن دولت

در خصوص ابتلاء به ایدز توسط خون آلوده به اچ.آی.وی، در اغلب کشورها سه مسئله مهم به عنوان علت اصلی مسئول شناختن دولت برشمرده شده است:

- تأخیر دولت در خصوص ممنوعیت پخش خونهای آلوده.
 - کمبود سازماندهی در خدمت رسانی عمومی از طرف دولت.
 - عدم کنترل فعالیت های انجام شده و نقصان در وضع قوانین و مقررات مربوط.
- شورای عالی کشور فرانسه نیز نظر خود را بدین گونه بیان نمود: دولت به علت تقصیر و اهمال در خصوص صدور دستور ممنوعیت پخش، مقصر و عامل اصلی

در قبال افراد مبتلا توسط خون آلوده به ایدز است زیرا دولت می توانست به آسانی و با توجه به ماده ۶۶۹ قانون بهداشت عمومی این دستور را صادر نماید. البته نکته قابل توجه در خصوص درجه اهمیت تقصیر دولت برای مسئول شناختن، دانستن این مهم می باشد که از چه هنگامی دولت می باید این کار را انجام می داده و انجام نداده است.

مبحث چهارم - تعیین محدوده زمانی مسئولیت دولت

سوالاتی نظیر اینکه، نقطه آغاز این مسئولیت چه تاریخی بوده و اینکه آیا در واقع این تاریخ را به طور قطعی و مسلم می توان تعیین نمود، سوالاتی هستند که نمی توان پاسخ قاطعی به آنها داد زیرا می توان بدین گونه فرض کرد که از هنگامی که برای اولین بار خونهای گرم نشده آلوده به ویروس ایدز استفاده شد مسئولیت دولت شکل گرفت یا حتی می توان فرض نمود که با ابتلاء اولین فرد به ویروس ایدز آستانه مسئولیت دولت آغاز شده است. همچنین با توجه به آراء صادره از دادگاه های فرانسه می بینیم که از دیدگاه قضات متفاوت آستانه مسئولیت و تاریخ محدوده مسئولیت دولت گوناگون بوده است.

طبق بخشنامه مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۵، وزیر بهداشت فرانسه، دستور الزام اقدامات پیشگیرانه پزشکی در خصوص اهداء کنندگان خون را صادر نمود البته بدیهی است که این دستور مسئله مهم وجود خون های آلوده انبار شده را حل نمی نمود.

در همین راستا، بر طبق بخشنامه دیگری با همین تاریخ، وزارت بهداشت فرانسه پرداخت هزینه مصرفی برای خرید خون و فرآورده های خونی گرم نشده توسط تامین اجتماعی را به طور کلی ممنوع اعلام نمود.

البته می توان تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۵ را اعلام ممنوعیت استفاده از خونهای آلوده به ویروس ایدز دانست ولی در واقع در تاریخ یک اکتبر ۱۹۸۵ بود که وزارت

بهداشت طی بخشنامه ای با بیان قاطعانه ای دستور ممنوعیت استفاده از فرآورده های آلوده به ویروس ایدز را صادر نمود. از این لحظه و در این تاریخ می توان پنداشت که وزارت بهداشت در عمل مرتکب فقدان و تأخیر در صدور اعلام ممنوعیت شده است و از تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۵ دولت فرانسه توسط دادگاههای مربوطه مسئول شناخته شد.

بالاخره در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۵ در کشور فرانسه و در سال ۱۹۹۷ در کشور ایران دستور ممنوعیت عرضه و پخش خون از طرف دولت صادر گردید. اما علیرغم صدور دستور ممنوعیت، دولت همچنان به عنوان مسئول اصلی در مقابل تک تک افراد، به علت نقصان و کاستی در خصوص جلوگیری از شیوع این اپیدمی هولناک محکوم شناخته شد.

مبحث پنجم - اثبات رابطه علیت در آلودگی خون توسط ویروس ایدز

مسئله اثبات رابطه علیت بسیار ظریف و حساس می باشد زیرا این واقعیت وجود دارد که تنها روش ابتلا به ویروس، ایدز انتقال خون نمی باشد و راه ها و روشهای متعددی وجود دارد، برای مثال، هنگامی که هموفیلی قبل از تزریق خون علائم و نشانه ای از ابتلا به ویروس ایدز را نداشته ولی به محض تزریق اولین خون یا فرآورده خونی، وی مبتلا به این ویروس گردد، به طور اجمال می توان منشاء ابتلاء را تزریق خون دانست. لزومی ندارد رابطه علیت بین تزریق خون آلوده و ابتلاء به اچ.آی.وی به شکل غیر قابل رد ثابت شود، اما در هر صورت اثبات رابطه علیت می باید انجام گیرد و این امر در بیشتر موارد بسیار مشکل و پیچیده می باشد.

اساساً رابطه علیت می باید بین آلودگی خون به ویروس ایدز و انتقال یا تزریق خون انجام شده وجود داشته باشد. البته همان طور که قبلاً نیز ذکر شد، اثبات این رابطه به سادگی امکان پذیر نیست خصوصاً این که معین نمودن لحظه آلوده

شدن به طور دقیق عملاً غیر ممکن می باشد. از طرف دیگر مشکل متعدد بودن مداخله کنندگان نیز مطرح است: برای مثال تعدد اهداء کنندگان خون، تعدد سازمان های دست اندر کار در خصوص انتقال یا تزریق خون و یا حتی تعدد راه های انتقال خون و مبتلا شدن به ویروس ایدز، همگی از موارد پیچیده تر شدن این مسئله می باشند. اما در هر صورت دو شرط باید محقق گردد تا پرداخت جبران خسارت انجام پذیرد:

- ۱- ثابت نمودن این که تزریق خون انجام گرفته است.
 - ۲- ثابت نمودن این که بیمار مبتلا به ویروس ایدز می باشد.
- همچنین آلودگی به ویروس باید توسط تست های متفاوت پزشکی ثابت شود و تزریق خون ویا فرآورده های خونی آلوده نیز باید توسط پرستار یا پزشک معالج گواهی شود. به طور اجمال اثبات انتقال خون آلوده و مبتلا شدن به ویروس ایدز از شرایط لازم برای ثبوت تحقق مسئولیت می باشد و انجام این امر بر عهده قربانی است.

البته در برخی موارد اثبات این مسائل بسیار مشکل است زیرا تهیه مدارک و مستندات با توجه به دشوار بودن جمع آوری و نگه داری آن ها برای چندین سال متوالی در اکثر موارد، امکان پذیر نبوده است.

در کشور فرانسه، اثبات رابطه علیت آلودگی به ویروس ایدز، در برخی موارد بسیار پیچیده بود و بیماران مبتلا خواستار تغییر قوانین مربوطه و تسهیل راه های ثبوت این امر بودند و لذا در جهت تسهیل امور و روند رسیدگی، قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ برای بیماران مبتلا به ویروس ایدز وضع گردید.

مبحث ششم - ویژگی معاف کننده عمل شخص ثالث؛ مسئولیت مراکز انتقال خون، مسئولیت نوعی بر مبنای تعهد ایمنی

اگر بپنداریم که دولت با ممنوع نمودن به موقع فراورده های آلوده مسئول می باشد خطاهای دیگری چون، خطای تجویز کننده فرآورده های آلوده، خطای تولید کننده محصولات و ... نیز می توانند در ایجاد خسارت دخالت داشته باشند در این شرایط، آیا می توان سنگینی بار مسئولیت به وجود آمده را بین فاعلان خسارت تقسیم نمود .

دیوانعالی کشور فرانسه، در راستای حرکتی که به سمت پذیرش مسئولیت پزشک ایجاد شده بود، برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ به طور صریح مراکز انتقال خون را مسئول شناخت. مطابق این رأی که در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۹۵ از شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، صادر شد، مرکز انتقال خون به عنوان تهیه و توزیع کننده خون، یک نوع تعهد ایمنی دارد که باید خون یا فرآورده خونی را به گونه ای به مصرف کننده تحویل دهد که از هر نوع عیب و آلودگی مبری باشد. بر این اساس هرگاه در اثر آلودگی یا عیب خون، به دریافت کننده آن زیانی برسد، مرکز مسئول است، مگر اینکه وجود عامل خارجی را ثابت نماید، یعنی ثابت کند که نقص تعهد ایمنی او و آلوده بودن خون، ناشی از یک عامل خارجی بوده که نمی توان منتسب به او دانست.^۱

دیوان کشور فرانسه، در رأی دیگری که در آوریل سال ۱۹۹۵ صادر می شد، مقرر داشت که آلودگی های ویروسی خون که در زمان انتقال، غیر قابل کشف بوده است، عامل خارجی محسوب نمی شود و رافع مسئولیت مرکز انتقال خون نیست.

^۱ DEBOUY (C.), « La responsabilité de l'administration française du fait de la contamination par le virus du Sida », JCP 1993, I 3646

علاوه بر قواعد عمومی مسئولیت مدنی و رویه قضایی کشور فرانسه، مطابق قانون ۱۹می ۱۹۹۸ و مواد ۱-۱۳۸۶ به بعد قانون مدنی فرانسه که راجع به مسئولیت ناشی از عیب تولید است، مراکز انتقال خون به عنوان تولید کننده خون، مسئول زیان ناشی از آلودگی خون شناخته شدند، نکته قابل ذکر این است که دفاع خطر توسعه که یک عامل معاف کننده برای تولید کننده است، مطابق ماده ۱۲-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه در مورد فرآورده های خونی وجود ندارد.

تعهد ایمنی نوعی تعهد فرعی است که بر مبنای ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه بر عهده سازمان انتقال خون قرار می گیرد، بنابراین حتی اگر خون از نظر حقوقی، کالای تجاری محسوب نشود و مبیع به حساب نیاید، مرکز انتقال خون از باب مسئولیت ناشی از عیب تولید مسئول است.

در حقوق انگلیس و در حیطه عمل، دادگاهها مسئولیت مطلق مرکز انتقال خون را بر مبنای قانون حمایت از مصرف کننده مصوب ۱۹۸۸، پذیرفته اند.

وانگهی در حقوق فرانسه، از آنجایی که طبق نظر حقوقدانان، انتقال خون، نوعی خدمت عمومی محسوب می شود در صورتی که بتوان در زمینه کنترل یا سازماندهی انتقال خون، تقصیری را متوجه دولت دانست، دولت مسئول جبران خسارت ناشی از انتقال خون آلوده است، برای مثال در دعوایی که یکی از بیماران هموفیلی که در اثر انتقال خون آلوده به بیماری ایدز مبتلا شده بود، علیه دولت فرانسه مطرح کرده بود، دیوان اروپایی حقوق بشر، در ۳۱ مارس ۱۹۹۲، دولت فرانسه را محکوم به جبران خسارت نمود.^۱

مبحث هفتم - جبران خسارت ناشی از انتقال خون آلوده بر مبنای روش خاص فرانسه

^۱ BERGES (N.), « La sécurité des produits sanguins labiles », Gazette du Palais, juin 2006, n°161

کشف ویروس ایدز و گسترش آلودگی ناشی از آن و افزایش تعداد بیماران مبتلا به ویروس ایدز، در برخی از کشورها قانونگذار را بر آن داشته تا روش خاصی را برای جبران خسارت قربانیان، ایجاد کنند و با تأسیس صندوقی خاص و بر مبنای همبستگی عمومی این نوع زیانها را جبران نمایند.

در حقوق فرانسه، تا زمان تصویب قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ که رژیم خاصی برای جبران خسارت حوادث پزشکی ایجاد کرد، جبران خسارت ناشی از حوادث پزشکی تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی بود. در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱، قانونی به تصویب رسید که به موجب آن در صورتی که در نتیجه انتقال خون آلوده، شخص، مبتلا به ویروس ایدز گردد، از محل صندوق خاصی که به همین منظور تأسیس شده است، جبران خسارت می شود. بودجه این صندوق از بودجه عمومی و بخشی از آن از طریق بیمه‌گران تأمین می شود.

نتیجه

با تحقیق و تفحص در رویه قضائی دادگاه های کشورهای مختلف، شاهد ظهور و پیدایش بینش و نگرش جدیدی نسبت به شرایط احراز مسئولیت، اثبات رابطه علیت، پرداخت و جبران خسارت در مورد ضرر و زیان ناشی از انتقال خون آلوده هستیم و این به دلیل پر اهمیت بودن و خاص بودن اتفاق رخ داده و خطرناک بودن ویروس ایدز می باشد. به بیان دیگر، همه اقدامات نمایان گر این مطلب است که نظامهای حقوقی سعی بر آن دارند تا با ایجاد شرایط جدید، دست به اصلاح و صدور قوانین و مقررات در راستای احترام به حقوق بشر بپردازند. در همین راستا در رویه قضایی برخی کشورها دولت به عنوان عامل اصلی تأمین بهداشت عمومی و در جهت حمایت از مبتلایان به ایدز در مورد خسارات ناشی از انتقال خون آلوده مسئول قلمداد شده و ضرر و زیان افراد از بودجه عمومی پرداخت گردیده است.

منابع و مأخذ:

- 1- DEBOUY (C.), « *La responsabilité de l'administration française du fait de la contamination par le virus du Sida* », JCP 1993, I 3646
- 2- BAUD (O.), « *Le sang contaminé* », PUF, 1999
- 3- BERGES (N.), « *La sécurité des produits sanguins labiles* », *Gazette du Palais*, juin 2006, n°161, p. 14
- 4- CASTERET (A-M.), « *L'Affaire du Sang, La Découverte Enquêtes* », 1992
- 5- LEMOYNE DE FORGES, (J.-M.), « *Sida : responsabilité et indemnisation des préjudices résultant de contamination par transfusion sanguine* », *RD sanit. soc.* 1992.
- 6- J.-M. de Forges, *Sida: responsabilité et indemnisation des préjudices résultant de contamination par transfusion sanguine*, *RD sanit. soc.* 1992.555
- 7- www.legifrance.gouv.fr

Le Sida et La Responsabilité Civile de l'Etat

samira mohammadi

Abstract

Lorsqu'on s'interroge sur sa propre identité de l'Etat face au problème du sida, il faut certes y réfléchir un moment, tant les références personnelles en la matière peuvent être diverses. Nous avons toutes et tous une idée, une image, une réaction face au mot sida, ce que cela représente pour nous, nos proches, nos connaissances, celles et ceux qui en sont atteints. Lorsque cette même question est posée à l'Etat, cela se complique. En effet, la contamination par le virus du Sida dans un sens globale a donné lieu aux contentieux les plus divers: mise en jeu de la responsabilité pénale et même, des poursuites pénales diligentées contre les principaux responsables du Centre national de la transfusion sanguine, saisine de la Cour européenne des droits de l'homme, demandes d'indemnisation formulées par les transfusés devant le fonds d'indemnisation dans certains pays dont les décisions sont susceptibles de recours devant la Cour d'appel, actions en responsabilité civile de droit commun devant le juge judiciaire, actions en responsabilité civile devant le juge administratif. D'ailleurs les victimes ont, pour l'essentiel, dirigé leurs actions contre l'Etat excipant d'une faute commise par ce dernier dans l'exercice de ses pouvoirs de police de la santé publique et qu'ils ont largement obtenu gain de cause tant en première instance qu'en appel ou en cassation même si les trois degrés de juridiction se sont séparés sur la plupart des problèmes soulevés par les litiges

Mots clés: Sida, responsabilité civile, responsabilité de l'Etat, virus du sida, faute